

بنام خداوند جان و خرد

درباره
هستی‌شناسی وجود اجتماعی

اثر: سُورَه لوكاچ

ترجمه از: زبیلا جبلی

لوكاج، جورج، ۱۸۸۵ - ۱۹۷۱م.	سرشناسه
درباره هستی‌شناسی وجود اجتماعی / اثر گنورک لوكاج؛ ترجمه زبایا جبلی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: شفیعی، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۵۷-۷	مشخصات ظاهری
۵۸۴ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	شابک
فیبا	و پت فهرست نویسی
عنوان اصلی: Zur Ontologie des gesellschaftlichen Seins ,c	یادداشت
هستی‌شناسی	موضوع
Ontology	موضوع
جلیل، زبایا، ۱۳۴۵ - ، مترجم	شناسه افزایش
۱۳۹۷ ۴۵۹۰/۳۱ABD	ردہ بندی کریں
۱۱۱	ردہ بندی دیوبی
۵۴۳۳۱	شماره کتابشناسی ملر

درباره هستی‌شناسی وجود اجتماعی

نویسنده: گنورک لوكاج

متجم: زبایا جبلی

نویس چار. ۱۳۹۹

حروف ای: زبانهای

چاپ و صفحه: هوا در

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی، مهر آرت است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری - وید، ساختمان

اردبیهشت، شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۰۶۰۶۰۶۰۶۰۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۵۷-۷

فهرست

۵	یادداشت مترجم
۷	- حل
۸۹	۲- سی شناسی بالکنیک هگل
۱۵۸	- مقدمه، پیش شانه
۲۴۹	- تاریخ مندی و جامعیت ایرانی
۳۸۹	- کار به مثابه ایجاد کننده، ر. مشناسانه
۴۵۲	- کار به مثابه الگونی برای پراتیک اجتناعی

یادداشت مترجم

گنورگ لوکاج، فیلسوف داهی مجاری در تصنیف حاضر خود: در باره هستی‌شناسی وجود اجتماعی، به ویژه در فصل اول آن، فعالیت پرشاخه هگل و دستاوردهای فلسفی دامنه‌دارش را بر جسته سازد و می‌کوشد با کمند سخن، دیالکتیک او را در سیر بضاریس عرصه اجتماعی و اقتصادی نشان دهد.

در میان مفهوم گرتسن، اندیشمند بزرگ قرن نوزدهم روسیه خاطر از این مقوله: «دیالکتیک هگل، به رغم چهره دوگانه و نشان کلام‌خود نظری روسی پرووتستانی اش، دژکوب دهشتناکی است؛ هر چیزی را باطل می‌داند، هر آنچه که بازدارنده‌ای از عقل و خرد باشد را از میان برمی‌دارد.»^۱

همان طور که می‌دانیم هنگ در «منولوژی روح خود با نقل قول از دیدرو مدلل می‌سازد که دیالکتیک، به معنای غنای آگاهی ذهنی نه تنها نتیجه فلسفه‌ورزی انتزاعی، بلکه در میان حالت محصول آگاهی اجتماعی است. و در علم منطق خود تاکید می‌کند که تحقیقت، چیزی جز پروسه منطقی (به عبارت دیگر: تاریخی) نیست. در تأمین خود به ایده مطلق ختم می‌شود. این ایده مطلق در آثار مارکس و انلسین، تجسم خود را در رسالت تاریخی پرولتاپریا می‌یابد.

پرداختن تفتنی به فلسفه و دیالکتیک هگل، هر آینه تشییه صائب

۱- الکساندر گرتسن- گذشته‌ها و تأملات- ج ۶- ص ۲۰۷

خانم شهرنوش پارسی‌پور، اندیشمنده و جامعه‌شناس برجسته را به کار بریم، شبیه به نقش قالی‌های ایرانی و خطوطی می‌شود که در این قالی‌ها در هر جهت در حرکت‌اند، اما هرگز به مقصده یا معنایی نزدیک نمی‌شوند. به این خاطر است که درک دیالکتیک هگل برای جماعت عالم نمایان که فاقد دیدی تاریخی‌اند و در غرض‌ورزی‌های خود نمی‌خواهند تکامل خود - آگاهی انسان در پویه تاریخی را به طور علمی دنبال کنند ناممکن است. ریشارد واگنر و بیسمارک بجز این جمله کسانی بودند که بدون اینکه توفيقی در این راه بیآبند در شیوه‌ند بیزی از او دستگیرشان شود.

لوکاج در ادامه بر سوی خود، استنباط هگل از نقش کار در پیدایش فردیت انسان را سرا جاء - در جامعه مدنی تبلور می‌باید را دنبال می‌کند. لوکاج در عین حال نشان می‌دهد: ژرفترین، عینی‌ترین و انکارناپذیرترین صابره، آین آنست که پیشرفت جوامع باید با رشد باراوری کار انسانی سنجیده شود. و سرمایه‌داری که به مرحله گندیدگی و طفیلی خود پا نهاده است امروزه به بزرگترین مانع چنین باراوری تبدیل شده است. لوکاج در تصنیف حاضر فقط افسانه روزگار خود را نمی‌گوید، بلکه با کند و کاو در تکامل آتی جامعه بشری در پرتو ارزش - اضافی، خواننده را با گالری زنده‌ای از مقولات اجتماعی و اقتصادی که از رصدخانه حقیقت و تکامل تاریخی به آن نگریسته شده است، آشنا می‌سازد.